

آموزش و تأثیر و تأثر متقابل افراد گروه

آموزش را میتوان از دو نظر تعریف کرد ، یکی از لحاظ وظیفه و نتیجه‌ی آن و دیگری از لحاظ شرایط و نحوه‌ی انجام آن .

از نظر اول ، آموزش را باید ایجاد تغییر در رفتار موجود جاندار دانست و از نظر دوم ، یعنی نحوه‌ی ایجاد این تغییر و شرایطی که موجب چنین تغییری میگردد ، آموزش را باید تعامل اجتماعی (۱) دانست . اگر ایندو تعریف یا بیان خصوصیات آموزش را در نظر بگیریم آموزش عبارتست از تعامل بین دو یا چند موجود که باعث تغییر در رفتار یک یا هر دو طرف میگردد . بنا براین تعریف معیار سنجش و حسن تأثیر آموزش مقدار تغییری است که در رفتار آموزش بیننده (یادگیرنده) از طریق تعامل بین او و افراد دیگر پدید آمده است .

آموزگاران ، دبیران ، اسنادان و بطور کلی مؤسسات آموزشی که این معیار را برای سنجش ارزش کار خود نپذیرفته اند در حقیقت تنها به انتقال معلومات خویش بشاگردان قانع هستند این خرسندی در واقع توقف در مرحله افلاطونی تکامل فلسفه و روشهای آموزش است . افلاطون (۴۲۸ تا ۳۴۷ ق م) یادگیری را " کسب معلومات راجع به چیزی که شخص قبلاً در آن زمینه

۱ - تعامل اجتماعی جریانی است که ضمن آن عمل یک یا چند موجود جاندار باعث

عمل یا تغییر یک یا چند موجود جاندار دیگر میشود

معلوماتی نداشته است (۲) " میدانست پس در نظر افلاطون هدف یادگیری کسب معلومات و منظور از آموزش انتقال معلومات از یاد دهنده به یادگیرنده است .

دیری نپائید که ارسطو (۳۸۴ تا ۳۲۲ ق. م) در یکی از رساله‌های فلسفی خود بنام " اخلاق نیکوماچی " (Nichomachean Ethics) نظر دیگری ابراز داشت ، او گفت انسان هر کاری را از راه انجام آن میاموزد " مثلا " ما باینائی کردن بنای خوبی خواهیم شد و بانواختن چنگ ، چنگ نوازی خوب پس باید از همان سنین پائین کسب عادت کنیم (۳) .

بدین ترتیب حتی از دو هزار و اند سال پیش وظیفه‌ی آموزش را ایجاد عادت یعنی در حقیقت ایجاد یا تغییر رفتار در آموزش گیرنده دانسته اند .

روشهایی که امروزه در مؤسسات آموزشی ما ، از ابتدائی گرفته تا عالی ، مورد استفاده قرار میگیرد اگر با معیار تغییر در رفتار سنجیده شود ، نارسا و دارای نتایج ناچیزی است . درس کلاس بصورت متداول ، یعنی سخنرانی معلم ، بنا بر گفته جان دیوئی مطابق روش " سنتی " است در این روش " موضوع آموزش مقداری اطلاعات و مهارت هاست که قبلا " تهیه و تعیین شده است ، بنابراین کار اصلی مدرسه انتقال آنها به نسل جوان است یادگیری در اینجا بمفهوم آموختن مطالبی است که قبلا " در کتابها و مغز آدمهای مسن تر جمع و ضبط شده است (۴) . در این روش شاگرد طبعاً " باموضوع مورد آموزش درگیری فعال نخواهد داشت چه برای ایجاد یادگیری بمعنائی که ارسطو گفته است ، درگیری فعال آموزش گیرنده باموضوع و جریان آموزش ضروری است تحقیقاتی که درباره روشهای آموزشی شده است نشان میدهد که ۱ - معلوماتی را که دانشجویان از راه شرکت در بحث و مذاکره گروهی بدست آورده اند

۲ - نقل از Euthydemus یکی از مکالمات اولیه افلاطون در

Symonds Percival M. " Learning is Reacting " in Percival
M. Symonds. What Education Has to learn from
Psychology (3rd ed.) New York: Teachers College,
Columbia University 1960 P.37

۳ - نقل از Nicomachean Echics در مرجع بالا jbd., P. 37

4 - Dewey John Experience and Education, New York:
Collier Books. 1965. P. 17-18

- بیشتر از معلوماتی که در سخنرانی استاد می شنوند در خاطرشان باقی میماند (۵) .
- ۲ - هرگاه آموزش گیرنده تنها شنونده باشد و درباره موضوع درس به بحث و مذاکره نپردازد و در واقع در کار یادگیری فعالیت چندانی نداشته باشد یادگیری کندتر و نارسا تر است (۶)
- ۳ - آموزش بصورت انفرادی - یعنی بصورتیکه هر کس برای خود و جدا از دیگران مطالبی بیاموزد - از یادگیری بصورت گروهی (۷) موثرتر نیست .
- برای رفع این نقیصه چه باید کرد؟ ساده ترین راه بکار بردن روشی است که آموزش گیرنده را کمک کند تا آنچه را می آموزد مدت طولانی تری بخاطر داشته باشد و در عین حال رفتار او را در زمینه مطلوب و موضوع مورد آموزش تغییر دهد روشی که این خصوصیات را داشته باشد کدام است ؟ .
- عده ای از روانشناسان اجتماعی (۸) و نیز مربیان بهداشت عمومی (۹) و متخصصان آموزش بزرگسالان که کارشان آموزش مردم برای ایجاد تغییر در رفتار آنهاست دست به تحقیقاتی زده اند که یافته های آنها میتواند پاسخی به سؤال فوق باشد . در این تحقیقات روش تدریس متداول یعنی سخنرانی یک نفر درباره موضوعی خاص برای عده ای شنونده با بحث و مذاکره گروهی مقایسه شده است . نتایج بدست آمده معرف برتری مذاکرات گروهی بر روش متداول معمول است . در زیر نمونه ای چند از این تحقیقات ذکر میشود .
- ۱ - در اوایل جنگ جهانی دوم که مواد غذایی در آمریکا کمیاب و جیره بندی شده بود دولت آمریکا در صدیافتن راهی بود که بتواند مردم را به مصرف آن نوع از مواد غذایی که

5 - Richard, Paul; "An Experimental Study of the effect of Group Discussion in the Teaching of Factual Content," ph. D. Dissertation, Northwestern University, 1948 Mentioned in Franklyn S. Haiman. Group leadership and Democratic Action. New York: Houghton Mifflin Co 1951. P. 51

6, 7 - Brunner Edmune des., etal. An Overview of Adult

۸ - روانشناس اجتماعی کسی است که درباره رفتار اجتماعی انسان یعنی رفتار انسان در جمع و رابطه با انسان های دیگر و رفتار گروه های انسانی و تأثیر این گروهها بر رفتار فرد و رفتار فرد بر این گروهها مطالعه و تحقیق کند .

۹ - مربی بهداشت کسی است که با استفاده از یافته های علوم زیستی ، پزشکی و انسانی مثل روانشناسی ، جامعه شناسی ، انسانشناسی و آموزش و پرورش سعی میکند تا مردم را بقبول رفتارهایی که در حفظ سلامت و جلوگیری از بیماری موثر است وا دارد .

چندان مورد توجهشان نبود ، اما ارزش غذایی زیادی داشت و آسان تر هم بدست میآمد برانگیزد برای تحقق این منظور از کورت لوین کمک خواسته شد (الف ۱۰) .

وی برای انجام یک تحقیق مقدماتی در این زمینه شش گروه (۱۰ - ب) از زنهایی را که داوطلب شده بودند به رایگان از بیماران مقیم "خانهی بیماران" صلیب سرخ آمریکا پرستاری کنند انتخاب نمود . لوین میخواست بدانند چه راهی بهترین است برای آن زنها را بمصرف دل و قلوه و سایر اعضا داخلی گاو برانگیخت . توضیح اینکه آمریکا ثیها اصولاً "از خوردن اعضا درونی حیوانات تن میزنند و برخی نیز نفرت دارند . پس از بین بردن این دلزدگی و ترویج مصرف چنین موادی در واقع تغییر بزرگی در رفتار است و روشی که در ایجاد این تغییر مؤثر شود میتواند بعنوان روش ، سودمند و موثری در تغییر رفتار (دریاد دادن و آموزش) توصیه گردد .

بنابراین لوین شش گروه مورد مطالعه را به دو دسته که هر کدام از سه گروه تشکیل میشوند تقسیم کرد . موقعیت اقتصادی و اجتماعی افراد هر دسته را در نظر گرفت باین معنی که هر دسته از سه گروه - طبقه ی پائین ، متوسط و بالا تشکیل میشوند . برای یکی از این دو دسته محاسن مصرف جگرو دل و قلوه را از طریق ایراد سخنرانی های جالب بیان کرد . در این سخنرانیها با استفاده از تابلوهای مصور مشکل تغذیه مردم در زمین جنگ و ارزش سه مادهی خوراکی مورد نظر از جهت ویتامینها و مواد معدنی موجود در آنها بدقت و بطور مشروح نشان داده شد . سخنران با توجه به اینکه غالباً " بو و شکل این مواد برای مستمعان زننده است طرز تهیهی خوراکیهای خوشمزه را به آنها نشان میداد و دستور پخت آنها را که قبلاً تهیه و حاضر کرده بود در اختیار شنوندگان میگذاشت و از توفیق خود در ترغیب افراد خانواده خویش بخوردن این مواد سخن می گفت . این جلسات شامل نیم ساعت سخنرانی و پانزده دقیقه پرسش و پاسخ بین سخنران و مستمعان بود .

۱۰- الف - کورت لوین (Kurt Lewin) روانشناس آلمانی در سال ۱۹۳۲ به دعوت دانشگاه استنفورد برای ایراد سخنرانی آمریکا رفت و بعزت سوء رفتار آلمانیها هم کیش او در آمریکا رحل اقامت افکند . این دانشمند در سال ۱۹۳۵ به یامردی عده ای از دانشجویان خود در مرکز تحقیقات مربوط به رفاه کودک دانشگاه آیووا دست به یک سلسله تحقیقات در رفتار گروهی انسانها زد . بعدها با حمی از شاگردان نزدیک خود در موسسه تکنولوژی ماساچوست (M.I.T.) مرکز تحقیقات تحرک گروهی را بنیان گذاردند وی در سال ۱۹۴۷ درگذشت .

هنوز یکسال از مرگ او نگذشته بود که این مرکز از ماساچوست به دانشگاه میشیگان واقع در شهر آن آر بور انتقال یافت .

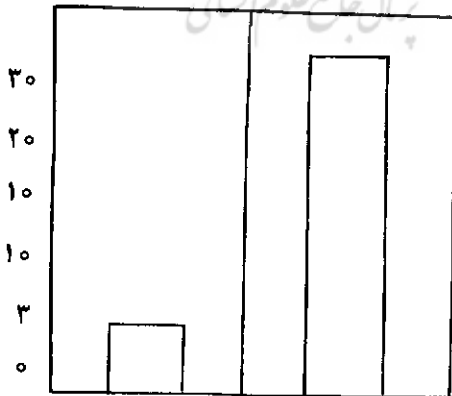
۱۰- ب - تعداد افراد در هیچیک از این گروهها کمتر از سیزده و بیشتر از هفده نفر نبود .

برای سه گروه دیگر نیز مشکل تغذیه مردم و رابطه‌ی آن با جنگ و سلامت عمومی افراد بیان گردید ولی بجای ادامه‌ی سخنرانی، حاضران به بحث در این باره دعوت شدند که آیا "زنهای خانه دار هم" میتوانند در خانواده‌های خود به تهیه غذا از این سه ماده بپردازند یا نه؟ در این مباحثه مشکلات تغییر عادات مردم عموماً "و تغییر ذائقه و برنامه غذایی، خانواده‌ها ضمن مصرف این مواد خصوصاً" و نیز نامطبوع بودن بوی این مواد هنگام پخت و بی میلی شوهران و سایر افراد خانواده نسبت باین گونه غذاها از جمله مطالب مورد بحث بود.

در این سه گروه پس از اینکه اعضاء بیافتن راهی برای رفع مشکلات فوق و استفاده از اعضاء داخلی گاو در غذا بقدر کافی علاقمند شدند یک متخصص تغذیه دستور پخت‌هایی را که در سه گروه اول ضمن سخنرانی ارائه شده بود بیان کرد. مدت این جلسات نیز ۴۵ دقیقه بود.

ابتدا از افراد این دو دسته (یعنی هم دسته‌ای که برایشان سخنرانی شده بود هم دسته‌ای که افراد آن به مباحثه پرداخته بودند) سؤال شد که چند نفر تا آن زمان از این مواد بعنوان غذا استفاده کرده‌اند. سپس از آنها پرسیدند که چند نفر ما یلند در هفته‌ی آینده از این مواد غذا تهیه کنند.

در هفته دوم و چهارم پس از تحقیقات فوق نتیجه مورد بررسی قرار گرفت و معلوم شد که فقط سه درصد از زنهای دسته اول (کسانی که در جلسات سخنرانی شرکت کرده بودند) از یکی از آن سه غذا که قبلاً هرگز مصرف نکرده بودند استفاده کرده‌اند. اما از دسته دوم (کسانی که در جلسات بحث و مذاکره گروهی شرکت کرده بودند) سی و دو درصد یکی از این



بحث و مذاکره گروهی جلسات سخنرانی

نمودار ۱ - درصد افرادی که بعد از شرکت در جلسات سخنرانی و جلسات بحث و مذاکره روهی غذایی را برای اهل منزل خود پختند که تا آن زمان نه پخته بودند.

مواد را پخته و مصرف نموده اند .

۲ - مطالعه‌ی دیگر را خانم دانا کلیسوریش (۱۱) باراهنمائی خانم ماریان ردک (۱۲) انجام داد و اثر سخنرانی و تصمیم گروهی درباره محاسن مصرف شیر را - چه شیر تازه چه شیر خشک - در شش گروه از زنهای خانه دار که در همسایگی هم میزیستند مطالعه و مقایسه کرد . هر یک از این گروهها از شش نفر کمتر و از نه نفر بیشتر نبود . برای اعضاء سه گروه درباره محاسن غذائی شیر و لزوم مصرف بیشتر آن داد سخن داد . و برای سه گروه دیگر در این موضوع که " زنهای خانه دار برای خوراندن شیر بیشتر با افراد خانواده چه باید بکنند " صحبت کوتاهی شد سپس حاضران بصورت مباحثه‌ی گروهی به اظهار نظر و بیان مشکلات رومکانات خود در این زمینه پرداختند و درباره‌ی آن تصمیم گرفتند . در هر دو این سه گروه اطلاعاتی که درباره محاسن و لزوم مصرف بیشتر شیر به زنان خانه دار داده شده بود یکسان بود .

بازجویی بعدی از افراد گروههای شش گانه نشان داد که آنانکه باستماع سخنرانی متخصص تغذیه پرداخته بودند از هفته دوم تا چهارم مصرف شیرشان مقدار ناچیزی افزایش یافته است .

کسانیکه در بحث و مذاکره گروهی شرکت کرده بودند شیر بیشتری بمصرف رسانده بودند این تحقیق معرف اثر و کفایت روش ایجاد تغییر در رفتار است . ناگفته نماند که مصرف شیر در این مدت حتی بعد از هفته چهارم هم برای آنها که در مذاکره شرکت کرده بودند به میزان ثابتی بالاتر از افراد سه گروه دیگر باقی مانده بود .

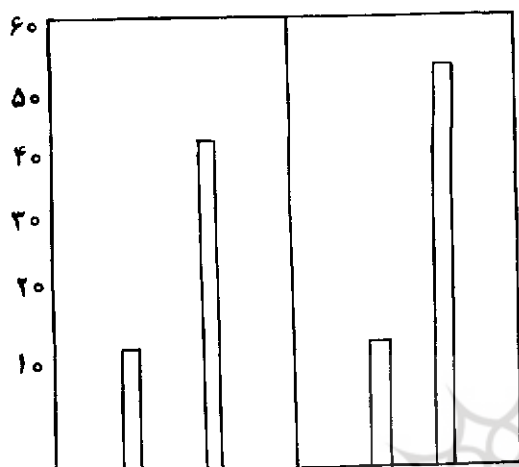
۳ - سومین تحقیق نیز توسط دو محقق بالا صورت گرفته است .

چندین سال بود که بیمارستان ایالتی آیووا سیتی از شهرهای ایالت آیووا آمریکا به مادرانیکه از مناطق کشاورزی برای اولین وضع حمل خود آمده بودند دستورهائی راجع به تغذیه کودکانشان میداد . این دستورها را متخصص تغذیه در مدت بیست تا بیست و پنج دقیقه بآنها میداد . ضمناً " یک نسخه از جزوه‌ی کوچکی که در آن از طرز بکاربردن شیر خشک و اهمیت آب پرتقال و روغن ماهی در سلامت بچه ها سخن رفته بود بمادرها داده میشد . اطلاعاتی که در آن چند سال بدست آمده بود نشان میداد که این دستورها چندان موثر و مفید واقع نشده ، بنابراین کلیسوریش وردک در صدد مقایسه بین این روش و روش شرکت دادن مادران در مباحثه گروهی برآمدند .

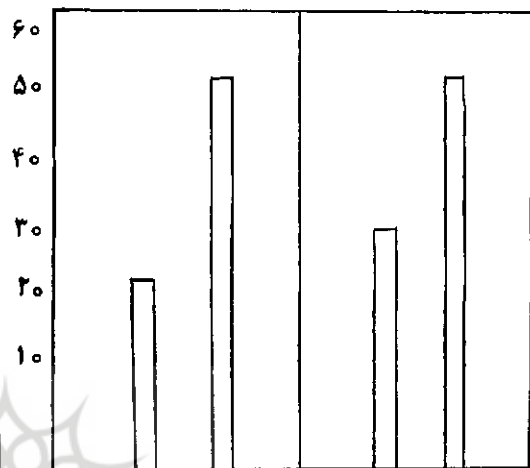
(11) Dana Klisurich

(12) Marian Radke

نمودار ۳



نمودار ۲



نمودار ۳ - درصد زنانی که اظهار داشتند مصرف شیرخشک در منازلشان ازدیاد یافته است

نمودار ۲ - درصد زنانی که اظهار داشتند مصرف شیر تازه در منازلشان ازدیاد یافته است

به عده ای از مادران بهمان روش معمول (یعنی صحبت متخصص تغذیه با آنها) اطلاعات لازم داده شد و عده ای دیگر به گروههای ۶ نفری تقسیم شدند. این گروهها بیست و پنج دقیقه (برابر با زمانی که اولین عده‌ی مادران دستورهای انفرادی دریافت داشتند) درباره استفاده از شیر، آب پرتقال و روغن ماهی مباحثه کردند. در آخر هفته دوم و چهارم پس از برگزاری این جلسات از هر دو دسته مادران بازجویی و در نتیجه معلوم شد که روش مذاکره گروهی بمراتب مؤثرتر و مفیدتر از روش دستور انفرادی است.

این تحقیق از دو تحقیق قبلی از این لحاظ اهمیت بیشتری دارد، که آنچه در این تحقیق با روش مذاکره‌ی گروهی مقایسه شده است کلاس درس نیست بلکه صحبت انفرادی با آموزش گیرنده است. در مکالمه بین آموزش دهنده و آموزش گیرنده طبعاً توجه به یک فرد آموزش گیرنده بیشتر است. در نتیجه این تصور پیش می‌آید که چون در این روش به آموزش گیرنده توجه بیشتری میشود او باید علاقه بیشتری به موضوع پیدا کند و نتیجتاً اثر و کفایت این روش به مراتب بیشتر باشد. اما در واقع مطلب برعکس است بنابراین یا

در روش مذاکره گروهی درگیری شخص با موضوع مورد آموزش حتی از صحبت انفرادی او با آموزش دهنده بیشتر است یا شرکت در بحث و مذاکره و اتخاذ تصمیم گروهی به خودی خود دارای قدرت تعیین رفتار در افراد گروه است (۱۳).

۴ - برای ارزیابی اثر و کفایت کلاس درس بصورت متداول و نیز مباحثه گروهی در سال ۱۹۵۵ یکی از متخصصان آموزش بهداشت عمومی بنام بنی باند (۱۴) دست به آزمایش تازه ای زد تا روشن شود کدامیک از این دو روش در ترغیب آموزش‌گیرندگان بقبول رفتاری که متضمن حفظ سلامت و جلوگیری از بیماری است موثرتر است .
در این مطالعه سعی شده بود تا دوا برآدی که بر مطالعات یاد شده قبلی میتوان گرفت وجود نداشته باشد .

در آن مطالعات اولاً "تعداد کسانی که مورد آزمایش قرار گرفته بودند خیلی کم بود ثانیاً "اندازه‌گیری اثر دوروش مورد استفاده فقط در آخر هفته‌ی دوم و چهارم بعد از آزمایش صورت گرفته بود و این مدت برای درک پایداری اثر روشهای اعمال شده کافی نبود .
در این تحقیق خانم باند جمعاً ۸۷۱ نفر از زنان را که هفتاد و پنج گروه متشکل بودند مورد مطالعه قرارداد . این گروهها قبل از شروع مطالعه وجود داشتند و افراد آنها برای فعالیتهایی غیر از فعالیتهای بهداشتی مثل فعالیتهای کلیسایی ، دوخت و دوز ، بازی بریج یا گلکاری بدور هم جمع میشدند . عده‌ی افراد در هر یک از این گروهها بطور متوسط در حدود دوازده یا سیزده نفر بود . در سی و سه گروه اعضاء با یک سخنرانی که انجام شد با سرطان آشنا میشدند و بآنها توصیه میشد که (۱) برای آزمایش لازم مرتباً به پزشک مراجعه کنند . (۲) هر ماه خودشان پستانهای خود را معاینه نمایند و (۳) طریق معاینه و کشف اثرات ظهور بیماری قبلاً " بآنها نشان داده میشد . در پایان هر سخنرانی مدتی از وقت جلسه بستیوال و جواب بین مستمعان و سخنران میگذشت . در چهل و چهار گروه دیگر همین مسائل ضمن جلسات مذاکره‌ی دسته‌جمعی مورد بحث قرار میگرفت . یکدفعه در سر هفت ماه

13. Lewin Kurt. "Group Decision and Social York." in Eleanor E. Maccoby et al (ed) Roundings in social psychology. (3 rded) new York: henry Holt and company. 1958. pp. 201-206.

14. Bond Betty w. "A Study in Heakth Education Methods" International Journal of Health Education. Vol I, No. I jan. 1958, pp. 41 - 46.

و یکدفعه در سر سیزده ماه که از بکار بردن این دو روش گذشته بود با خانمهایی که در آزمایش شرکت داشتند مصاحبه و معلوم شد که .

۱- اثر شرکت در بحث و مذاکره‌ی گروهی در ترغیب خانمها به مراجعه به پزشک برای معاینه بمراتب بیشتر از استماع سخنرانی بوده است تا زمان پیگیری اول یعنی تا انتهای ماه هفتم ۳۴ درصد از زنها به پزشک مراجعه کرده بودند و در انتهای ماه سیزدهم این عده به ۵۹ درصد رسیده بود .

از سوی دیگر کسانی که سخنرانی گوش کرده بودند در ماه هفتم ۲۱ درصد و در ماه سیزدهم فقط ۳۹ درصد به پزشک مراجعه کرده بودند .

۲- معیار دیگری که میتوانست برای تعیین ارزش دو روش آموزش مورد استفاده قرار گیرد عادت کردن زنها به آزمایش از پستانهای خود برای کشف آثار سرطان بود . بایکار بردن این معیار هم ارزش بحث و مذاکره‌ی گروهی بمراتب بیشتر از ارزش سخنرانی نمودار گردید . تفاوت ارزش این دو روش در این مورد حتی از موردیکه در بالا ذکر گردیده بیشتر بود . در پایان ماه هفتم ۵۱ و در پایان ماه سیزدهم ۵۸ درصد از شرکت کنندگان در بحث و مذاکره گروهی به آزمایش پستان خود عادت کرده بودند . برای کسانی که از راه سخنرانی اطلاعات لازم را بدست آورده بودند این درصدها در پایان ماه هفتم ۳۰ و در پایان ماه سیزدهم ۲۷ بود . بدین ترتیب در حالیکه تعداد معاینه کنندگان از پستان خود از میان افراد گروههای بحث و مذاکره در فاصله بین ماه هفتم و سیزدهم ۷ درصد اضافه شده بود در بین افراد گروههای سخنرانی تعداد این افراد ۳ درصد کاهش یافته بود .

۳- آشنائی با روش معاینه‌ی پستان توسط خود شخص در حضور پزشک معیار دیگری برای سنجش کفایت و تأثیر این دو روش فرض شده بود . با این معیار هم افراد گروههای بحث و مذاکره نشان داده اند که بهتر یاد گرفته اند . از میان این افراد در پایان ماه هفتم ۱۶ درصد و در پایان ماه سیزدهم ۳۶ درصد با این روش آشنائی درست داشتند . اما این آشنائی برای افراد گروههای سخنرانی بترتیب بیشتر از ۸ درصد و در پایان ماه هفتم ۱۸ درصد در پایان ماه سیزدهم نبود .

تحقیقاتیکه در اینجا یاد شده همه معرف برتری روش بحث و مذاکره‌ی گروهی بر روش سخنرانی استاد و شنیدن شاگرد است . این برتری را در واژه‌ی "درگیری" میتوان خلاصه نمود درگیری یعنی اشغال ذهن (۱۵) و فکر (۱۶) به یک موضوع یا امر بخصوص (۱۷) در حالیکه با واکنش انسان نسبت بآن امر یا موضوع همراه باشد . برای بیان مفهوم درگیری شاید ساده ترین مثال حالت دو حریف در حین کشتی گرفتن باشد در ضمن کشتی ذهن و فکر انسان هم متوجه

کشتی بعنوان یک تلاش و فعالیت است ، هم به حریف و اعمال او توجه دارد ، این توجه باعث میشود تا کشتی گیرنده نسبت به حرکت حریف خود واکنشی نشان دهد .

بدین ترتیب توجه و علاقه طرفین به امر کشتی باعث حرکات و اعمالی در هر یک از آنها میشود . به زبان دیگر در جریان یک کشتی حرکات هر یک از طرفین در عین حال هم باعث حرکات دیگری و هم منبعت از حرکات اوست در این حالت صحنه‌ی کشتی و جلسه بحث و مذاکره‌ی گروهی هر کدام بمثابة میدانی هستند که در آن بین قسمتها و افراد داخل در میدان تعامل و تأثیر و تأثر متقابل دائما در جریان است . این تأثیر و تأثر متقابل همانست که در اصطلاح روانشناسان اجتماعی دینامیک گفته میشود و در فارسی واژه‌ی "تحرك" بعنوان معادلی برای آن مورد استفاده قرار گرفته است . توجه با مرکز کشتی و شرکت در عمل و عکس العملی که ناشی از آن توجه است همانست که ما در این مقوله بنام " درگیری " میخوانیم .

در کلاس درسی که بصورت متداول و معمول برگزار میشود شاگرد عملاً "فعال نیست" ، بعلت عدم درگیر بودن با موضوع درس و معلم ، چه بسا که تنها جسم او در کلاس حاضر است ، میشوند ، یادداشت بر میدارد و با دیگران در یکجاست ولی در واقع روان (۱۸) اوجدا از دیگران و خارج از طیف نیروهای انگیزنده ایست که از تعامل با دیگران ناشی میشود . گر چه اعتقاد به لزوم انگیزه برای یادگیری در بین روانشناسان قدمت زیادی ندارد (۱۹) اما امروزه متخصصان پرورش و آموزش به اهمیت انگیزه در یادگیری معترفاند (۲۰) در جلسات بحث

۱۵ - در این مقوله منظور از ذهن عبارتست از مجموعه‌ی متشکل و مرتبط جریانات احساس ادراک ، تخیل ، بینش ، منطق و میل شخصی که بر روی هم فکور روان او را تشکیل میدهند .

۱۶ - فکر عبارتست از جریان و فعالیت مغزی که از طریق آن شخص بدرک اشیائی که با آنها روبرو میشود و موقعیتهائی که در آنها قرار میگردد نائل میگردد . وجود فکر را میتوان از تظاهرات مختلف آن تشخیص داد . این تظاهرات عبارتند از بیاد آوردن ، تخیل ، انتزاع مفاهیم ، انتظار چیز یا وضعی را داشتن ، دلیل آوردن و توجیه مسائل و موقعیت ها .

۱۷ - انتخاب واژه " درگیری " برای مفهومی که در این بحث مورد نظر است از یک جهت دارای ایراد میباشد . معمولاً " واژه‌ی درگیری رقابت یاد عوی و ستیز را بذهن شنونده فارسی زبان متبادر میسازد . منظور ما از این واژه همهء معنی متداول آن منهای تصور عوی و ستیز در آن است .

۱۸ - روان عبارتست از مجموعه‌ی مرتبط عواملی که ویژگیهای فکری ، عاطفی و رفتاری شخص را بوجود میآورند . این عوامل عبارتند از حواس ، ادراکات ، تخیلات ، حافظه ، تفکر ، قضاوت ، رفتار آگاه ، عقاید ، طرز فکر ، امیال ، شناسائی شخص از خود و نظایر آنها .

۱۹ - نیروی انگیزنده یعنی نیروئی که موجود زنده را به انجام اعمال و داشتن رفتار خاصی وامیدارد . P. L. Symonds opcit

ومذاکره‌گروهی با بکار بردن دستورالعملهایی که از نتیجه‌ی تحقیقات مربوط به تحرک گروهی بدست آمده است میتوان تعامل بیشتر و بهتر را بین افراد کلاس (گروه) رواج داد و از این راه به درگیری آنان با موضوع درس و در نتیجه یادگیری پایدارتر آنان کوشید.

پس در تحقیقات پیشنهاد دهنده استفاده‌ی بیشتر از بحث و مذاکره‌گروهی در کلاسها بعنوان یک روش یاد دادن است. خوشبختانه استفاده از این روش در تاریخ پرورش و آموزش کشور ما بی سابقه نیست. در حوزه‌های علمیه سابق که هنوز نمونه‌هایی از آن در مشهد و قم وجود دارد یاد دادن و یادگیری از راه بحث و مذاکره بین استاد و شاگردان و شاگردان باهم و با استاد صورت میگرفت و میگیرد. آنچه مؤسسات آموزشی بخصوص مؤسسات آموزشی عالی در کشور ما باید مورد نظر خود قرار دهند احیاء روش بحث و مذاکره‌ی گروهی و بازگرداندن آن بکلاسهای درس است. اما برای بکار بردن بهتر و مؤثرترین روش آموزگاران، دبیران و استادان نیازمند آشنائی با مفهوم دینامیک گروه و نتایجی هستند که از مطالعه در پدیده‌ی دینامیک در گروه بدست آمده است. این آشنائی به آنان کمک خواهد کرد تا در کلاسهای خود با در نظر گرفتن خصائص این پدیده درسی را بصورت بحث و مذاکره ادامه دهند اینک بعنوان قدمی در راه پاسخ به این نیاز مفهوم دینامیک گروه بیان میشود و مختصراً "بهرایهائی که برای اداره‌ی جلسات مذاکره‌ی گروهی مورد قبول قرار گرفته است اشاره خواهد شد.

برای آنکه مفهوم دینامیک گروه بهتر روشن گردد بهتر است اول مختصراً "به مفهوم میدان" در روانشناسی اشاره شود.

در نظر ارسطو (۳۸۴ تا ۳۲۲ ق. م) رفتار خاص یک شیئی یا یک شخص بسته به دسته یا طبقه‌ی خاصی است که شیئی یا شخص در آن قرار دارد. مثلاً "علت اینکه وقتی سنگی را از دست خود رها میکنیم بر زمین میافتد آنست که سنگ در دسته یا طبقه‌اشیاء سنگین است. اگر فلان شخص در موقع خوردن سوپ لب و دهانش صدا میکند بآن علت است که از طبقه اجتماعی خاصی است که افراد آن روش "صحیح" سوپ خوردن را نمیدانند. بطور خلاصه علت رفتار اشیا و اشخاص را باید در وجود خود آنها جستجو کرد. در سیستم فکری متأثر از تحقیقات و مطالعات نیوتن (۱۶۴۲ تا ۱۷۲۷ م. ب) علت رفتار اشیا و آدمهارا باید

۲۵ - برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه تقریباً از هر کتابی که درباره روانشناسی تعلیم و تربیت نوشته شده میتواند استفاده کرد. برای نمونه سه منبع زیر یادآوری میشوند

- a. Burton William H. "Baric principles in a good Teaching - Learning Situation." In lester and Alice Crow (ed.) Readings in Human learning New York: David Mckay Co., Inc. 1963. P. 15.

در نیروهائی که بر آنها وارد میشود جستجو کرد . مثلاً " علت افتادن سنگ بزمین نیروئی است که از زمین بآن وارد می آید و اگر در کف دست ما سنگ بزمین نمیافتد علت آن نیروئی است که برخلاف نیروی کشش زمین به سنگ وارد می آید . اگر کسی سوپ را با سر و صدا میخورد علت آن فشار مکیدن و وزن خالص مایع سوپ است یا فشاریکه گرسنگی بر او وارد می آورد . این طرز فکر تا اواخر قرن هیجدهم بقوت خود باقی بود

از اوائل قرن نوزدهم بر اثر مطالعاتی که هانس کریستیان اورستد (۲۱) (۱۷۷۷ تا ۱۸۵۵ م .) فیزیکدان دانمارکی و مایکل فارادی (۲۲) (۱۷۹۱ تا ۱۸۶۷ م .) شیمیدان و فیزیکدان انگلیسی در پدیده جذب و دفع مغناطیسی بعمل آوردند علاوه بر مفهوم نیرو (۲۳) مفاهیم دیگری مانند هیأت کلی (۲۴) و حرکت (۲۵) نیز در بیان علت پدیده های طبیعی داخل شد . این دانشمندان نشان دادند که برای درک علت جذب و دفع مغناطیسی باید طیف یا میدانی در نظر مجسم شود که نیروهای جذب و دفع کننده از داخل آن بخارج پخش میشوند و حتی در صورت فقدان مواد جذب و دفع شونده (مثل براده های آهن) نیروهای جذب و دفع کننده و میدان مغناطیسی بخودی خود وجود دارد . این بدان معنی است که میدان مغناطیسی با نیروهای جذب کننده و دفع کننده ای که دارد واقعیتی است جدا از براده های آهن . قبول اینکه شکل حرکات براده های آهن در نزدیکی یک آهن ربا صرفاً بسته به خود آنها نیست بلکه با جهت و فاصله ای آنها نسبت با آهن ربا و نیروی موجود در اطراف آن بستگی دارد تا مدتی برای مردم آسان نبود ، انیشتن و انیفلد در کتابی تحت عنوان " تطور در علم فیزیک (۲۶) " در این باره نوشته اند " تشخیص اینکه پدیده های فیزیکی را تنها با توسل به مفاهیم نیرو و ماده نمیتوان وصف نمود بلکه برای بیان آنها باید به توصیف میدان و فضای بین منبع نیرو و ماده پرداخت احتیاج به تخیل علمی زیادی داشت " اکنون در فیزیک حرکات یک شیئی یا چگونگی یک پدیده ای طبیعی را با بیان توزیع نیروهائی

21. Hans Christian Oersted

22. Micheal Faraday

۲۳ - در فیزیک منظور از نیرو آن چیزی است که موجب حرکت ، تغییر یا توقف اجسام میگردد .

۲۴ - هیأت کلی عبارت است از طرز قرار گرفتن قسمتهای مختلف یک جسم که مجموعاً شکل آن جسم را بوجود می آورد .

۲۵ - حرکت عبارتست از جریان تغییر محل جسم از جایی به جای دیگر .

26- Einstein, A., and L. Infeld. the Evolution of physics

New York: Simon and Schuster. 1936. P. 259

که در اطراف آن شیئی یا پدیده وجود و جریان دارد توصیف مینمایند (۲۷) .
 در روانشناسی کورت لوین با الهام گرفتن از مفهوم میدان در علم فیزیک سعی کرد
 تا به بیان علت رفتار انسانها بپردازد . بنظر او استفاده از این مفهوم در روانشناسی " . . .
 روشی است برای تجزیه و تحلیل روابط علت و معلولی (۲۸) " با استفاده از این روش
 روانشناس هر رفتاری را بصورت نتیجه و معلول شرایط و حوادث موجود و جاری در محیط
 و حوادثی که بیدرنگ قبل از وقوع آن رخ داده است توصیف مینماید .

لوین موقعیتی را که شخص در آن بسر میبرد " فضای حیاتی " او میخواند . انسان
 مثل نقطه ایست که در داخل فضای حیاتی " خود در حال حرکت است و نیروهائی که در
 داخل این فضای حیاتی وجود دارند او را از یکطرف میکشند یا از حرکت بطرف دیگر باز
 میدارند . باین ترتیب برای توجیه رفتار هر انسان باید بتوصیف فضای حیاتی او یا محیطی
 پرداخت که در داخل آن رفتار او صورت گرفته است . از آنجا که انسان حیوان اجتماعی
 است یعنی همیشه با هموعان خود رابطه دارد و با آنها بسر میبرد در محیط زندگی او انسانهای
 دیگر وجود دارند و فضای حیاتی او شامل روابط او یا انسانهای دیگر است . محیط اجتماعی
 هر انسان و روابط او با دیگران در تعیین کردار و رفتار او نقش مهمی دارند . حال همانطور
 که در هر اجتماع رفتار دیگران در تعیین رفتار شخص مؤثر است رفتار شخص نیز بنوبه‌ی خود
 در تعیین رفتار دیگران مؤثر است زیرا هر شخص در هر زمان برای اشخاص غیر از خودش
 دردی است از " دیگران " معنی این حرف آنستکه چون انسانها همیشه دارای رفتار هستند
 محیط اجتماعی و فضای حیاتی آنها در هر زمان پر از تأثیر و تأثر متقابل افراد بر یکدیگر
 است . تأثیر را از راه مشاهده‌ی تغییر در متأثر میتوان دریافت و تغییر در هر چیز از راه وارد
 شدن نیرو بر آن چیز حاصل میشود .

در فیزیک رد و بدل نیرو بین قسمت های مختلف یک سیستم - یعنی موجودیتی که از
 قسمتهای مختلف ولی مرتبط بهم تشکیل شده است - و تأثیر و تأثر متقابل ناشی از آنرا دینامیک
 گویند .

-
- 27- Deutsch Morton. "Field theory in social psychology
 in Garnder Lindzey and Elliot Arousen(ed)
The Hand book of social Psychology. (2nd ed)
 Reading, Massachusetts: Addison - Wesley, 1968. Vol. 1 PP.412-13
- 28- Lewin Kurt. Field theory in Social Science. New York
 Harper Tarch books, 1951. p.45.

سیستمی که قسمتهای مختلف آن برهم تاءثیرات متقابل دارند در هر زمان دارای شکل و هیئت کلی خاصی است که از تغییر شرایط و وضع قرار گرفتن و رابطه آن قسمتها با هم پدید آمده است . پس دینامیک را میتوان تاءثیر و تاءثرات متقابل بین قسمتهای یک سیستم دانست که در هر زمان شکل هیئت کلی آن سیستم را بوجود میآورد .

مفهوم دینامیک در گروههای انسانی هم صادق است ، گروه در اصطلاح جامعه شناسان به جمعی از افراد اطلاق میشود که مانند یک سیستم فیزیکی باهم رابطه دارند و رفتار و کردار هر یک از آنها در رفتار و کردار افراد دیگر مؤثر است . در بیشتر تعاریفی که از گروه شده است باین رابطه اشاره گردیده و غالباً " بصورت رابطه روانی ، ارتباط یا تعامل از آن یاد شده است . به چند نمونه زیر توجه فرمائید .

۱- گروه عبارتست از (دو تن یا بیشتر از آدمها که رابطه مشخص روانی باهم دارند (۲۹)

۲- منظور ما از گروه چند نفر از اشخاص است که در طول یک زمان بین آنها "ارتباط برقرار باشد (۳۰) عده ای این اشخاص باید بقدری باشد که "هرکس بتواند با افراد دیگر ارتباط رود و برقرار کند نه ارتباط " دست دوم " که از طریق واسطه و اشخاص دیگر میسر است جامعه شناسان " اینگونه جمع افراد را گروه نخستین میگویند (سی . اچ . کولی ، سازمان " اجتماعی ۳۰-۳۱) . ملاقات عده ای آشنا و دوست که برحسب " تصادف گرد هم آمده باشند گروه محسوب نمیشوند (۳۱) .

۳- منظور از گروه " موقعیتی است که در آن بین دو نفر یا بیشتر از آدمها تعامل وجود دارد (۳۲) .

۴- و بالاخره لوین گروه را بصورت زیر تعریف نموده است .

-
- 29- Krech, David, and Richard S. Crutchfield. They and problems of social psychology. New Uprl: McGraw - Hill, 1948. P.18
- 30- "Communicate With one another".
- 31- Homans George C. the Human Group. New York: Harcourt, Brace 8, world, inc, 1950.p.1.
- 32- Wilder David E. "Group Research and Adult Education". in Edmund des. Bruner et al, An Overview of Adult Education Research. Chicago. Adult Education Association of the U.S.A. 1959.p.192 33

" بهترین توصیفی که از گروه میتوان کرد موجودیت کلی دینامیک است . "

" یعنی موجودیت کلی که تغییر در وضع و حالت هر قسمتی از آن موجب تغییر در وضع و حالت سایر قسمتهای آن میشود (۳۳) . "

همانطور که ملاحظه میشود و قبلاً هم اشاره شده است شرط اصلی درهمی تعاریف موجود رابط ، تعامل و ارتباط است و ارتباط تنها در صورتی میتواند بین چند نفر پدید آید که بمنظوری خاص مثل رسیدن بههدف معین یا حل مشکلی گرد هم آمده باشند . حال اگر بخواهیم این تعاریف را بصورتی که برای بحث فعلی سودمند باشد خلاصه کنیم باید بگوئیم گروه عبارتست از چند نفر که برای منظور معینی بدور هم آمده و در ضمن بستگی دینامیک با هم بتوانند رابطهای روانی ، ارتباط و تعامل مستقیم ورود در روابط داشته باشند . پس مردمی که در یک انبوس نشسته و هر یک برای خود مقصد جداگانه ای دارند و در داشتن هدف یا مشکل معینی با هم مشترک نیستند گروه تشکیل نمیدهند . همچنین شاگردان یک کلاس که بصورت سخنرانی استاد و یادداشت کردن اداره میشود گروه تشکیل نمیدهند زیرا علاوه بر اینکه در راه هدفی مشترک مثل حل یک مشکل یا انجام کاری بدور هم جمع نشده اند . بین آنها روابط روانی مشخص تعامل و ارتباط برقرار نیست .

اینک با درهم آمیختن خصوصیات گروه و دینامیک می گوئیم . دینامیک گروه عبارتست از جریان تاء ثیرو تاء ثرات رو در رو و منقابل بین چند نفر که بمنظور معینی بگرد هم جمع شده اند جمع این عده در هر زمان دارای حالت و هیأت کلی خاصی است که حاصل حالات افراد و روابط آنها با یکدیگر است و تغییر شرایط و خصوصیات در هر یک از افراد موجب تغییر حالت و هیأت کلی جمع افراد میگردد .

با توجه بتوصیف هائی که از گروه و دینامیک گروه شده است باید گفت که با برقرار ساختن شرایط و حالات خاص در یک گروه میتوان به ایجاد رفتار یا تغییر آن در افراد گروهها کمک کرد . شک نیست که حالات و شرایط حاکم بر گروه بسته به نوع و نحوه ی اداره و رهبری آنست اما اینکه چه حالات و شرایطی در گروه میتواند باعث آن در یاد گرفتن و تغییر رفتار کمک بیشتری کند موضوعی است که باید مورد مطالعه قرار گیرد . این مطالعه در کشورها و فرهنگهای مختلف هر کدام باید جداگانه صورت پذیرد .

جالب ترین تحقیق را در این زمینه در سالهای ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ میلادی (رفالدلی

بیت و رالف ک زیر عنوان " مطالعه ای آزمایشی در رهبری و زندگی گروهی (۳۴) " در آمریکا انجام داده اند . از آنجا که نتایج این تحقیق میتواند برای کارهای گروهی نمونه قرار بگیرد و آگاهی از آن شاید انگیزه ای برای انجام تحقیقات مشابه در کشور ما شود ذیلاً " باختصار از آن یاد خواهد شد . در این تحقیق دو هدف اساسی مربوط به بحث فعلی مآدیده میشود . که عبارت است از :

۱- مطالعه اثرات سه نحوه رهبری " مردم سالاری " " قدرت سالاری " و " هرکی به هرکی " بر اعضاء چهار گروه از کودکان یازده ساله .

۲- مطالعه رفتار گروهها و افراد آن هنگامی که رهبری آنها از یک نحوه به نحوه دیگر تغییر می یابد .

در این مطالعه دو کارگاه نجاری در جوار هم ترتیب داده شد و سایل و ابزار کار و خصوصیات عمومی هر دو کارگاه از همه نظر یکسان بود . گروههای پنج نفره بچه ها در این کارگاهها به کارهای نجاری پرداختند . قبل از آغاز مطالعه در رهبری های سه گانه روشهای زیر با خصوصیات آنها تعیین و بزرگسالانی که برای رهبری انتخاب شده بودند بخوبی با این روشها آشنائی یافته بودند .

۱- مردم سالاری . حتی الامکان تعیین سیاست کلی کار گروه بعهده خود گروه گذارده میشود و وظیفه رهبر گروه تشویق و یاری اعضاء شرکت در بحث و مذاکره برای تعیین سیاست کلی کار است . هر وقت اعضاء گروه به کمک فنی احتیاج داشته باشند رهبر آنها دو راهیا بیشتر پیشنهاد می کند تا اعضاء گروه بسلیقه خود یک راه را انتخاب کرده بکار بندند . هر کس آزادانه با هر کس دیگری که خواست کار میکند و تقسیم مسئولیتها به عهده خود گروه گذارده میشود . هرگاه رهبر گروه خواست به تمجید یا انتقاد از کار گروه یا یکی از افراد آن بپردازد دلائل خود را بر اساس واقعیات کار انجام شده و بصورت عینی قابل لمس ابراز مینماید . رهبر ، یک عضو مرتب و معمولی گروه است اما در انجام کار شرکت زیادی ندارد (تا بتوان کفایت کار گروهها را با هم مقایسه نمود) .

۲- قدرت سالاری . بطور کلی همه تصمیمات راجع به فعالیتهای گروه و طرز اداره آن توسط رهبر تعیین میشود بطوریکه در هر زمان افراد گروه از کارهائیکه باید انجام دهند

- 34- Lippitt Ronald and Ralph K. White. "An Experimental Study of Leadership and Group Life." in Eleanor E. Maccoby et al. Readings in social psychology (3rd ed) New York : Henry Holt and Co, 1958. pp. 496-511

اطلاع ندارند . کار هر کس و نیز همکار هر کس را رهبر تعیین میکند . در تمجید و انتقاد از افراد گروه رهبر معیار و میزان خاصی ندارد بلکه بمیل خود هر که را خواست تمجید و از هر که خواست انتقاد میکند . ضمناً در فعالیت‌های گروه - جز در مواردیکه می‌خواهد طرز انجام کاری را نشان بدهد شرکت نمی‌کند .

۳ - " هرکی به هرکی " رهبر نقش غیر فعالی دارد و گروه و اعضای آن را در اتخاذ تصمیم نسبت بکارهایی که باید انجام دهند و تعیین نحوه انجام آن کارها کاملاً " آزاد " می‌گذارد . درابتداء وسایل و ابزار موجود را بخوبی برای همه توصیف مینماید و بآنها می‌گوید که هر وقت خودشان از او بخواهند اطلاعات لازم را در اختیارشان خواهد گذاشت . رهبر در عین حال که رفتار دوستانه‌ای با همه دارد از رفتار یا محصول کار گروه یا افراد آن تمجید و انتقاد نمی‌کند .

برای آنکه بتوان مقایسه‌ی دقیقی از کار و رفتار بچه‌ها در تحت سه نحوه از رهبری گروهی بعمل آورد در هر یک از گروه‌ها در فواصل معین حالات زیر بوجود می‌آید .

۱ - رهبر دیرتر از اعضای گروه حاضر میشود .
 ۲ - وسط کار رهبر بعلتی از کارگاه خارج میشود و تا مدتی برنمیگشت .
 ۳ - در مواقیکه رهبر گروه در کارگاه حاضر نبود آدم غریبه‌ای مثل " پیشخدمت " یا مامور سیم کشی " وارد میشد و اول از کار افراد بعد از کار گروه بطور دسته‌جمعی بسختی انتقاد میکرد .

۴ - با تغییر رهبر و نحوه رهبری در هر گروه افراد آن نهاد در محیط‌های اجتماعی متفاوت و تحت رهبری‌های جداگانه قرار میگرفتند .

بطور کلی نتایج این تحقیق را میتوان بصورت زیر خلاصه کرد :

۱ - در محیط‌های دموکراتیک اعضای احساس آزادی بیشتر میکردند و برای تعیین سیاست کلی کار گروه از اعضای دو نحوه دیگر رهبری پیشنهادها را بیشتری میدادند کمبود این نوع پیشنهادها در گروه‌های هرکی به هرکی بعلت احساس محدودیت و فقدان آزادی بیان در بین افراد نبود بلکه بدان سبب بود که بین افراد و رهبر گروه همکاری وجود نداشت
 ۲ - پیشنهاد در مورد نوع و نحوه فعالیت‌های گروهی از طرف اعضای در تحت رهبری قدرت سالار بمراتب کمتر از گروه‌های دموکرات و هرکی به هرکی بود در گروه‌های قدرت سالار اعضای به رهبر اتکاء بیشتری داشتند و هیچ کار گروهی را بارادۀ خود شروع نمیکردند .

۳ - در گروه‌های دموکراتیک و هرکی به هرکی افراد برای جلب توجه و تمجید و تحسین دیگران سعی میکردند نظرم گروه‌های خویش را بخود جلب کنند . در گروه‌های قدرت سالار

افراد به همین منظور بیشتر به جلب توجه رهبر میپرداختند . در واقع در این گروه‌هایی از راههای کسب اعتبار و موقعیت اجتماعی نزدیک شدن بیشتر یکی بود که همه کارها در دست خود داشت (یعنی رهبر مستبد) .

۴- اظهار ناراحتی و ابراز خشونت افراد گروه نسبت بیکدیگر در محیطهای قدرت-سالار و هرکی به هرکی بمراتب بیشتر از محیطهای دموکراتیک بود .

۵- در محیطهای قدرت سالار هر وقت رهبر دیر می‌آید کسی دست بکار نمیزد و اگر رهبر خارج میشد کار متوقف میگشت . برعکس در گروههای دموکرات رهبر که دیر می‌آید گروه را مشغول بکار مینماید در حقیقت حضور یا غیاب او تأثیری در کار اعضا گروه نداشت . در گروههای هرکی به هرکی اعضا در غیاب رهبر خود فعالیت میکردند اما فعالیتشان با رآور و سازنده نبود .

۶- در رهبری هرکی به هرکی کارکرد و محصول واقعی کار گروه بحدی که اعضا دلشان میخواست نبود و بمراتب کمتر از دو محیط رهبری دیگر بود .

۷- در مواقعی که رهبر نبود و یک شخص خارجی (مثلا " پیشخدمت یا "سیم کش") وارد میشد و به افراد گروه پرخاش و میگرد و از کار گروه انتقاد مینمود دو حالت اتفاق میافتاد . الف - در گروههای قدرت سالار معمولا " یا اعضا سرزنش و پرخاش بیجای شخصی خارجی را می پذیرفتند یا افراد خارج از گروه خود را (مثلا " کسانی که در کارگاه مجاور مشغول بکار بودند) سیر بلا قرار میدادند و تقصیر خود را بگردن آنها می‌انداختند .

ب - در گروههاییکه با روش دموکراسی و روش هرکی به هرکی اداره میشد افراد در مقابل پرخاش و انتقاد شخص خارجی باهم متحد میشدند و بجای اینکه کسی را از خارج یا از بین خود سیر بلا قرار دهند مستقیما در مقابل عامل پرخاش (پیشخدمت یا سیم کش) مقاومت می کردند .

۸- تقریبا " در تمام موارد فرق بین رفتار اعضا در گروهها به نحوه رهبری و محیط اجتماعی حاکم بر گروه مربوط بود نه خصوصیات اخلاقی و فردی آنها .

۹- چگونگی رفتار اعضا گروهها نسبت بهم و رشد عاطفی آنان در زمینه کارهای گروهی تا حد زیادی به نحوه رهبری گروهشان بستگی داشت .

علاوه بر رهبری صحیح جلسات بحث و مذاکره اقدامات دیگری نیز در بالا بردن کفایت و ارزش گروه کمک میکند . اگر در هر جلسه یک نفر بعنوان منشی ، یک نفر بعنوان منشی تخته و یک نفر بعنوان ناظر ارزیاب گروه خدمت کنند و هر یک از اعضا خود را برای اداره صحیح و ثمر بخش گروه مسوول بدانند و سعی نمایند روش مفید بودن را فرا بگیرند و بکار بندند کار گروهی

جالب و آموزنده خواهد شد (۳۵). در خاتمه‌ی این بحث کوتاه پیشنهاد می‌شود که:

الف - چون در یادگیری عوامل بسیاری دخیل است و مانعیت‌ها همهمه آنها را یک به یک بطور کامل بشناسیم و اثر هر کدام را جداگانه مورد بررسی قرار دهیم بهتر است به دینامیک (یا تأثیر و تأثر متقابل) بین آنها توجه نمائیم.

ب - چون در بحث و مذاکره گروهی تعامل اجتماعی بیشتر و درگیری آموزش گیرنده با موضوع مورد یادگیری زیادتر است بهتر آنستکه موسسات تربیت معلم کشور ما برای دانشجویان خود درسی تحت یکی از عناوین (جریان گروهی). "دینامیک گروه" یا بحث و مذاکره گروهی " ترتیب دهند تا آموزگاران و دبیران آینده کشورهای پدیده‌های گروهی آشنا و با معلومات و تجربیات شخصی در این زمینه مجهز شوند. زیرا استفاده از این روش‌ها در کلاس‌ها، جلسات هیأت مدیره‌ی مدارس، وانجمنهای خانه و مدرسه بمنزله‌ی آموزش و تمرین رفتار دموکراتیک خواهد بود.



۳۵- برای اطلاع بیشتر لطفاً به منابع زیر مراجعه فرمائید

- الف - ثریا، مهدی کار دسته جمعی. استفاده از دینامیک گروه در برنامه‌های عمرانی و رفاهی.
- ب - سهم علوم اجتماعی در حل مشکلات رفاهی و عمرانی ترجمه و تالیف مهدی ثریا
- ج - ایرونیک، آر. جنس "گروه فکری" محله روانشناسی امروز جلد ۵ شماره ۶. نوامبر ۱۹۷۱. صفحات ۴۳ تا ۴۶ و ۷۴ تا ۷۶ ترجمه مهدی ثریا.